



امام هادی (ع) چگونه تهدید محاصره را تبدیل به فرصت ایجاد شبکه وکالت کرد؟

امام هادی (ع) با بهره‌گیری از تهدیدها، فرصت‌های بی‌نظیری خلق کردند. تبعید به سامرا که قرار بود نقطه پایان ارتباط امام با مردم باشد، به نقطه آغاز یک شبکه جهانی تبدیل شد.

امام هادی (ع) با بهره‌گیری از تهدیدها، فرصت‌های بی‌نظیری خلق کردند. تبعید به سامرا که قرار بود نقطه پایان ارتباط امام با مردم باشد، به نقطه آغاز یک شبکه جهانی تبدیل شد.

به گزارش خبرنگار مهر، امروز سالگرد میلاد با سعادت امام هادی علیه السلام است. دوران امامت امام علی بن محمد الهادی (ع) یکی از پیچیده‌ترین فصول تاریخ تشیع است. ایشان در سال ۲۱۲ هجری دیده به جهان گشودند و در سن هشت سالگی به مقام امامت رسیدند. دوران ۳۳ ساله امامت ایشان مصادف با خلافت شش تن از خلفای عباسی بود که از میان آن‌ها، متوکل عباسی به دلیل کینه توزی شدید نسبت به خاندان پیامبر، سخت‌گیرانه‌ترین سیاست‌ها را علیه امام اعمال کرد. انتقال اجباری امام از مدینه به سامرا (پادگان نظامی عباسیان) نه یک دعوت محترمانه، بلکه یک تبعید استراتژیک برای قطع ارتباط ایشان با بدنه جامعه بود. در چنین اتمسفری، امام هادی (ع) سیره فرهنگی، تربیتی و تبلیغی خود را به گونه‌ای طراحی کردند که نه تنها کین تشیع حفظ شد، بلکه زیرساخت‌های فکری برای دوران غیبت نیز پایه‌گذاری گردید.

مرزبانی از عقیده و مدیریت دانش

بخش بزرگی از تلاش‌های امام هادی (ع) معطوف به جبهه فرهنگی و مقابله با نحله‌های انحرافی بود. در قرن سوم هجری، جامعه اسلامی با سیل شبهات کلامی مواجه شد. مسائلی نظیر «جبر و تفویض»، «خلق قرآن» و «تشبیه و تنزیه» ذهن‌ها را مشوش کرده بود.

یکی از بزرگترین چالش‌های فرهنگی امام، جریان «غالیان» بود که با نسبت دادن صفات الهی به ائمه، قصد تخریب چهره واقعی اسلام را داشتند. امام هادی (ع) با صراحت از این جریان‌ها اعلام بیزاری کردند. شاهکار فرهنگی ایشان در این راستا، تدوین «زیارت جامعه کبیره» است. این متن که یک دایره المعارف کامل امام شناسی است، با ظرافت تمام مرز میان بندگی خدا و مقام والای واسطه فیض بودن ائمه را روشن می‌کند. ایشان در این زیارت، امام را مفسر وحی، معدن رحمت و رکن زمین معرفی می‌کنند که همگی ذیل اراده الهی تعریف می‌شوند.

در مسئله «خلق قرآن» که فتنه بزرگی در میان مسلمانان ایجاد کرده بود و خلفا از آن بهره‌برداری سیاسی می‌کردند، امام هادی (ع) با اتخاذ موضعی حکیمانه، شیعیان را از ورود به این نزاع‌های بی‌حاصل منع کردند. ایشان در نامه‌ای به یکی از یاران خود نوشتند که نه باید قائل به خالق بودن قرآن شد و نه مخلوق بودن آن به شکلی که بدعت ایجاد کند، بلکه قرآن کلام خداست. این موضع‌گیری مانع از تکفیر میان مسلمانان و صیانت از پیروان اهل بیت در برابر آسیب‌های حکومتی شد.

الگوی انسان‌سازی در شرایط محاصره

سیره تربیتی امام هادی (ع) بر دو پایه «تزکیه فردی» و «کادرسازی نخبگانی» استوار بود. ایشان نیک می‌دانستند که برای بقای مکتب، نیاز به انسان‌هایی است که در تلاطم‌ها نلغزند. امام (ع) در برخوردهای تربیتی خود، عزت نفس افراد را بیدار می‌کردند. در روایات آمده است که ایشان حتی با کسانی که برای توهین به محضرشان می‌آمدند، با چنان بخشش و بزرگواری برخورد می‌کردند که فرد منقلب می‌شد. امام معتقد بودند کسی که در درون احساس کرامت کند، خواری گناه را نمی‌پذیرد. این روش تربیتی، «انسان‌سازی از درون» بود که در مقابل تربیت‌های صوری و اجباری حاکمیت قرار داشت.

امام هادی (ع) شاگردان بزرگی همچون حضرت عبدالعظیم حسنی، حسن بن راشد و عثمان بن سعید را تربیت کردند. عبدالعظیم حسنی به عنوان یک مجتهد و محدث برجسته، نمونه‌ای از خروجی مکتب تربیتی امام است که وقتی عقاید خود را بر امام عرضه می‌کند، ایشان او را تایید کرده و به عنوان مرجع علمی به مردم معرفی می‌کنند. این تربیت نخبگانی به گونه‌ای بود که شاگردان امام، هر کدام در یک منطقه جغرافیایی، کانون هدایت و تربیت دیگران می‌شدند.

شبکه وکالت و دیپلماسی پنهان

تبلیغ در زمان امام هادی (ع) به دلیل محدودیت های شدید، نمی توانست به صورت سنتی و منبری باشد. ایشان از روش های نوین و هوشمندانه برای گسترش پیام اسلام ناب استفاده کردند. مهم ترین اقدام تبلیغی و تشکیلاتی امام، تقویت و گسترش «شبکه وکالت» بود. امام برای مدیریت بلاد وسیع اسلامی از ایران تا مصر و عراق، وکلایی تعیین کرده بودند.

در سامرا که پادگانی نظامی بود، امام هادی (ع) تحت نظر بودند، اما رفتار متین، عبادت های طولانی و دانش بی کران ایشان چنان تأثیری بر نظامیان و حتی مأموران حکومتی گذاشت که بسیاری از آن ها مخفیانه به جرگه پیروان ایشان پیوستند. نفوذ کلام امام در قلب دستگاه خلافت، خود بزرگترین ابزار تبلیغی بود. برای مثال، نفوذ ایشان بر پزشکان دربار یا کارگزاران دولتی، باعث می شد که پیام حق به گوش کسانی برسد که در حالت عادی دسترسی به آن ها ممکن نبود.

مبارزه با تحریف و مدیریت بحران های اجتماعی

امام هادی (ع) در سیره تبلیغی خود، «جهاد تبیین» را در اولویت قرار دادند. وقتی متوکل عباسی با تخریب قبر امام حسین (ع) سعی در محو هویت شیعی داشت، امام با تأکید بر زیارت سیدالشهدا و اعزام افرادی برای دعا در حائر حسینی، نشان دادند که نمادهای مذهبی خط قرمز هستند. این کنشگری تبلیغی، روحیه ی مقاومت را در جامعه تزریق می کرد. ایشان همچنین در برابر فرقه های انحرافی مانند «صوفیه» که با زهد دروغین قصد فریب مردم را داشتند، ایستادند و با تبیین زهد حقیقی (که همانا پاکی درونی و مسئولیت پذیری اجتماعی است)، مرزهای اسلام ناب را مشخص کردند.

در سیره امام هادی (ع)، دعا تنها یک رابطه فردی با خدا نیست، بلکه یک ابزار آموزشی و سیاسی است. ادعیه ای که از ایشان به یادگار مانده، سرشار از آموزه های توحیدی و سیاسی است. امام از طریق دعا، مفاهیم عمیق حکمرانی عادلانه و نفی ظلم را به شیعیان آموزش می دادند. این «رسانه ی نیایش» در فضایی که آزادی بیان وجود نداشت، کارآمدترین روش برای انتقال مفاهیم ارزشی بود.

امام هادی (ع) با بهره گیری از تهدیدها، فرصت های بی نظیری خلق کردند. تبعید به سامرا که قرار بود نقطه پایان ارتباط امام با مردم باشد، به نقطه آغاز یک شبکه جهانی تبدیل شد. سیره ایشان به ما می آموزد که در سخت ترین شرایط سیاسی و فرهنگی، با تکیه بر ابزار دانش، تربیت کادرهای وفادار و ایجاد شبکه های ارتباطی، می توان نه تنها بقا یافت، بلکه بر جریان های رقیب پیروز شد. امام هادی (ع) معمار حقیقی آمادگی شیعه برای عصر غیبت بودند و میراث ایشان تا به امروز، چراغ راه هدایت نخبگان و توده های مردم است.